

اصرار والدین عروس بر یک تصمیم زوج جوان را به دادگاه خانواده کشاند

جدایی به جای مهاجرت اجباری

خارج از کشور زندگی کنیم. حتی رزیتا هم نتوانست آنها را راضی کند. همه تلاش هایمان بی فایده بود. آنها زندگی را برایمان به جهنم تبدیل کردند. هر روز عذاب کشیدیم. هر روز دعا و درگیری داشتیم. پدرزن و مادرزنم کوتاه نیامدند. کم کم رزیتا هم رفتارش عوض شد. می گفت دیگر از این دعوها خسته شده و می خواهد با خانواده اش به خارج از کشور برود. این شد که تصمیم گرفتیم از هم جدا شویم تا رزیتا همراه خانواده اش به خارج از کشور برود.

در ادامه همسر این مرد نیز به قاضی گفت: پدر و مادرم اجازه نمی دهند من و سامان به راحتی در کنار هم زندگی کنیم. آنها وقتی حرفی را بزنند هیچ کس نباید با آنها مخالفت کند. من سامان را دوست دارم، اما مجبورم از او جدا شوم. چون می دانم که او در خارج از کشور نمی تواند زندگی کند. من هم نمی توانم به خانواده ام نه بگویم. می دانم اگر مخالفت کنم تا آخر عمر باید تاوان پس بدهم. حتی سامان هم بدبخت می شود. پدر و مادرم نمی توانند از من دور بمانند. از طرفی سال ها برای مهاجرت تلاش و از چند سال پیش اقدام کردند. همه آرزو و رویایشان زندگی در خارج از کشور بود. حالا که همه چیز جور شده، من نمی توانم مانع رفتن شان شوم. برای همین با وجود این که سامان را دوست دارم، مجبورم از او برای همیشه جدا شوم.

در پایان نیز قاضی سعی کرد این زوج را از جدایی منصرف کند، ولی وقتی اصرار آنها را دید، رسیدگی به این پرونده را به جلسه آینده موکول کرد. او از این زوج خواست که در فرصت به دست آمده با یک مشاوره خانواده مشورت کنند، شاید مشکل شان حل شود.

رزیتا و سامان به دادگاه خانواده تهران آمده اند تا برای همیشه دست از زندگی مشترک شان بکشند. آنها فقط ۱۴ ماه توانستند در کنار هم زندگی کنند. هر دو عاشق هم هستند اما با وجود این برای جدایی راهی دادگاه خانواده شده اند.

وقتی این زوج در مقابل قاضی دادگاه خانواده قرار گرفتند، مرد جوان درباره ماجرای زندگی اش گفت: من و رزیتا با هم همسایه بودیم. از بچگی به هم علاقه داشتیم و وقتی بزرگ تر شدیم احساس کردیم هیچ وقت نمی توانیم بدون هم زندگی کنیم. برای همین ۱۴ ماه پیش ازدواج کردیم. آن زمان خانواده هایمان مخالف بودند؛ به خصوص خانواده رزیتا. با این حال چون عاشق هم بودیم، هر طور بود آنها را راضی کردیم و زندگی مشترک مان آغاز شد. من و رزیتا هیچ وقت با هم اختلافی نداشتیم. ما عاشقانه در کنار هم زندگی کردیم. من بهترین لحظات عمرم را در کنار رزیتا سپری کردم اما از چند وقت پیش که خانواده رزیتا موضوع مهاجرت را مطرح کردند، همه چیز در زندگی ما زیر و رو شد. آنها گفتند که قصد دارند برای ادامه زندگی به خارج از کشور بروند. پدر و مادر رزیتا در کمال ناباوری گفتند رزیتا هم باید همراه شان برود. پدر رزیتا گفت اگر همسرم را دوست دارم باید با او به خارج از کشور بروم. خیلی شوکه شدم. من نمی توانم از کشور خارج شوم و نمی توانم در کشور دیگری زندگی کنم. کار و همه زندگی من اینجا است. چطور می توانم در یک کشور غریب به زندگی ام ادامه دهم. برای همین مخالفت کردم، اما هر چه مخالفت کردم فایده ای نداشت. آنها اصرار داشتند که به زور در

ترنم؛ قربانی کودک آزاری مادر

این بار دختر بچه سه ساله در قائمشهر قربانی ارتباط مادر و مرد غریبه شد و جانش را از دست داد. ۱۲ مهر ۹۷ دختر سه ساله ای به بیمارستانی در قائمشهر منتقل شد اما ساعتی بعد جان باخت و زن و مرد جوانی که خود را پدر و مادر او معرفی می کردند، ادعا کردند بچه هنگام بازی از پله سقوط کرده اما بررسی بدن کودک نشان می داد بدن او پراز آثار کبودی است.

بعد از ورود پلیس مشخص شد زن و مرد با هم دوست هستند و به دروغ خود را پدر و مادر ترنم معرفی کردند. مادر ترنم که از سوی پلیس دستگیر شده بود، اعتراف کرد دخترش را به قتل رسانده و گفت بعد از طلاق از همسرم با دخترم زندگی می کردم تا این که با مرد جوان آشنا شدم و با هم زندگی می کردیم. چند ماهی با هم بودیم و ترنم سر و صدا و اذیت می کرد و ما هم او را کتک می زدیم.

روز حادثه اینقدر او را زدم تا این که بیهوش شد، وقتی بیمارستان رسیدیم تصمیم گرفتیم به دروغ بگوییم او از پله افتاده است اما نقشه ما لو رفت و دستگیر شدیم. اما من ترنم را کتک می زدم و دخترم زیر کتک های من جانش را از دست داد.

وادار کردن کودک به کشیدن مواد

اواخر آبان کلبی در فضای مجازی منتشر شد که این بار یک دختر سه ساله جلوی دوربین مشغول کشیدن تریاک است و بعد به دستور مرد فیلمبردار مشغول خوردن مشروبات الکلی می شود. با توجه به این که پیش از این چند نفر در فضای مجازی از کودکان در تبلیغ و افور سوء استفاده کرده بودند، این بار پلیس با جدیت دستگیری فرد کودک آزار را در دستور کار قرار داد و با شناسایی کودک مشخص شد این بار فرد کودک آزار پدر و مادر بچه نیستند. با دستگیری مرد جوان او اعتراف کرد می دانستم پدر و مادر کودک با هم اختلاف دارند در یک فرصت مناسب کودک را پای بساط مصرف مواد مخدر بردم و برای سرگرمی و دیده شدن در فضای مجازی به او مواد مخدر دادم تا مصرف کند.



دخالت، حمایت نیست!

سارا شقاقی، روان شناس در این باره می گوید: گاهی اوقات دخالت خانواده ها می تواند یک زندگی بدون اختلاف و مشکل را از هم بپاشد. گاهی اوقات بعضی از خانواده ها فرق حمایت و دخالت را متوجه نمی شوند. برای همین به خود اجازه می دهند هر محبت، مهربانی و دلسوزی را که به نظر خودشان واقعی و بجا و ضروری است به زبان بیاورند و نشان دهند. چنین والدینی حتی توقع دارند که در قبال این دلسوزی ها و مهربانی ها مورد قدردانی هم قرار بگیرند. همین باید ها و توقعات و انتظارات در بستر برخی خانواده ها باعث بروز مشکلات بین زوج های جوان می شود.

معمولا دخالت بیجای خانواده ها مشکلات زوج ها را بیشتر می کند، اما مساله ای که در برخی از موارد به فروپاشی زندگی مشترک منجر می شود، طرز برخورد با دخالت خانواده است. زن و شوهر می توانند با انتخاب برخورد درست دخالت خانواده را کاهش دهند و از بروز اختلافات میان خودشان نیز جلوگیری کنند. از طرفی دلایل دخالت اطرافیان در زندگی زناشویی می تواند ریشه در ویژگی های شخصیتی و رفتاری خاص زوج داشته باشد. به گونه ای که اطرافیان و به خصوص والدین به توانایی زوج های جوان برای اداره زندگی اعتماد نداشته باشند. آنها معمولا دخالت در زندگی آنان را صحیح می دانند. برای همین زوج هایی که مهارت های حل مساله یا قدرت تصمیم گیری ندارند و در برخورد با مشکلات زندگی از اعتماد به نفس پایینی برخوردار هستند، شرایط را برای دخالت اطرافیان در زندگی زناشویی فراهم می کنند و همین مساله زندگی آنان را تحت تاثیر قرار می دهد.



معمولا دخالت بیجای

خانواده ها مشکلات

زوج ها را بیشتر

می کند، اما مساله ای

که در برخی از موارد

به فروپاشی زندگی

مشترک منجر می شود،

طرز برخورد با دخالت

خانواده است

